

رقص در ایران

پیش از تاریخ

یحیی ذکاء

رئیس موزه مردم‌شناسی

مقاله‌ای که تحت این عنوان در این شماره از نظر خوانندگان
میگذرد متن کامل و تجدید نظر شده‌ی مقالی است که چندی پیش از جانب
نویسنده آن انتشار یافته بود و با اضافات و مطالب جدیدی در مجله موسیقی
عرضه میگردد.

انسان فطرتاً بنا برغریز طبیعی خود، هنگام احساس شادی و مسرت شدید،
جنبش و حرکتی در اعضا، وجواریح خود حس کرده، بی اختیار بجست و خیز میپردازد
و فریادها و قهقهه‌های سرور و نشاط از ته دل برمیگردد. نه ما، نه نیاکان ما و نه آن
انسانهای ابتدایی و وحشی که در بن غارها میزیستند، هیچگاه از این عکس‌العمل طبیعی
و غریزی عاری نبوده‌ایم و بشر در همه حال و در هر زمان بهنگام احساس خوشی و لذت شدید،

ساخته بیزه ازا پراهانیست که بیش از آثار دیگر بروی صحنه باله‌شوی تأثیر
آورده میشود.

امروزه شماره هنرمندانی که در باله‌شوی تأثیر فعالیت میکنند بیش از سه
هزار نفر است که شامل خوانندگان، هنرمندان باله، اعضای ارکستر و مأمورین
تأثیر میباشد. این گروه هر چند وقت به کشورهای غرب نیز سفر نموده و
مردم غرب را با فرهنگ و موسیقی کشور خود آشنا مینمایند. هم اکنون در
اغلب اپراهای بزرگ روسیه چندین خواننده و کارگردان مشهور کار میکنند
و آهنگسازان نیز برای اینکه اپراهای کشورهای دیگر از قبول آثار اپرایی
آنان سر باز نزنند در انتخاب مضمون و لیبرتوی اپرا دقت مینمایند که با طرز
تفکر مردم سرزمین‌های دیگر مغایرت نداشته و فاقد جنبه سیاسی باشد.

عنایت رضائی

بجایش و چرخش برخاسته است.

گروهی از دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند که اجتماع، همین جنبش‌ها و جست‌وجوهای انفرادی ناشی از غرایز فطری را تبدیل بیا یکویی و دست‌افشاییهای موزون دسته‌جمعی، و فریاد‌های ناشی از نشاط و سرور را تبدیل با آواز و سرود کرده است.

گردآوری محصول و تهیه و بدست آوردن مواد غذایی همواره برای همه اجتماعات از تمدن و غیرتمدن از روزگاران بسیار پیش دارای اهمیت فراوانی بوده و هست، انسان‌های نخستین بنا به مقتضیات اقلیمی که در آن بسر می‌برده‌اند، اعم از شکارچی و کشاورز، هنگامیکه شکار کلان و فریبی بچنگ می‌آوردند و یا از مزرعه خود محصول فراوانی برمی‌داشتند، آنچنان وجد و سرور با افراد قبیله و خانوادها روی می‌آورد که همگی بی‌اختیار بجست و خیز برخاسته، دست بدست بکدیگر دایره‌وار بدور آنچه بدست آورده بودند بیا یکویی می‌برداشتند، و در همین جست و خیزها و بیا یکوییهای همگانی بود که از یک‌نواختی حرکات آنان ضرب و وزن (ریتم) بوجود آمده، سپس دوباره خود برای اتحاد حرکات و موزونی آن بکار رفت.

ضرب و وزن را ابتدا با چپ‌زدن (کف‌زدن) و نواختن دستها به بدن و رانها و کوبیدن دوچوب بیکدیگر و بالاخره با زدن کنده‌های توخالی و طبل حفظ کرده، توالی و توازن حرکات را برقرار می‌ساختند.

بدینسان با ایجاد ریتم، رقص شامل حرکات موزونی گردید که در آن قسمت‌های مختلف بدن، هم آهنگ بایکدیگر، بجنبش و حرکت درآمده تمايلات و هیجانانات مخصوصی را تمیز و حالات روحی معینی را بیان می‌کردند، از اینرو رقص در میان ملل قدیم و جدید، معانی و صورت‌های مختلفی از: شهبانی، جنگی، مذهبی و تفریحی و ... بشود گرفته، کم و بیش در میان تمام اقوام جهان مراحل مزبور را طی کرده است.

در میان مردمان ابتدایی، دامنه حرکاتی که در رقص بکار گرفته میشد، بسیار وسیع بوده، بطوریکه تمام قسمت‌های بدن از: سروسینه و پشت و سرین و پاها و بازو ها و دستها و انگشتان و عضلات صورت و چشم و آبرو و مو، همه بیازی گرفته میشد و با وارد ساختن هر یک از آنان در رقص، منظور و معانی مخصوصی را اراده می‌کردند.

رقص و اجرای حرکات موزون در میان اجتماعات بدوی و نیه تمدن محرك اعمال و حرکات دسته‌جمعی و بالتبینه مولد هم آهنگی و وحدت عمل در میان افراد قبایل میگردد و چون همین وحدت در اعمال یک نوع وحدت معنوی را موجد میشد، از اینرو بسیار مطلوب بود و بخش مهمی از اوقات و فعالیت‌های آنها را فرامیگرفت،

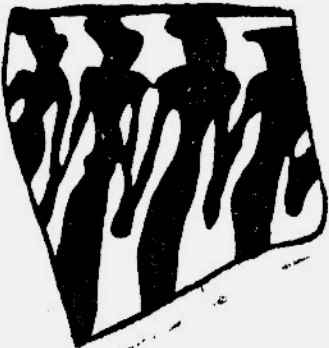
چنانکه اغلب امورشان از عبادت خدایان و پرستش مقدسات قبیله و جشنها و تفریحات اجتماعی، توأم با رقص بود. > آنچه که امروزه بنظر ما بازی و تفریح بشمار می‌رود برای انسان ابتدایی یک امر جدی بوده، آنها هنگامیکه برقص برمیخاستند تنها قصدشان خوشگذرانی نبوده بلکه میخواستند به طبیعت و خدایان چیزهای مفیدی بیاموزند یا تلقین کنند و بوسیله رقص طبیعت را با سخواب مغناطیسی در آورده و بزمین دستور دهند تا حاصل خوبی بیار آورد.

نتیجه آنکه چون رقص در واقع معنای وسیع تفریح و موجد سرور و لذت است پس در هر جا انسانی بوده، لذت و سروری وجود داشته، رقص نیز موجود بوده است و ما در پیشه و اساس تمدن هر قوم و ملتی، حتی وحشی‌ترین و ابتدایی‌ترین آنها، رقص را با انواع مختلف کشف میکنیم و میتوان گفت هیچ هنری نیست که بهتر و بیشتر از رقص خصایص قومی و اخلاقی مردم ابتدایی را جلوه گر سازد.

رقص در ایران پیش از تاریخ:

باتوجه بمطالب فوق بالطبع اقوامی که از هزاران سال پیش در سرزمین ایران نشین گرفته، مراحل مختلف تمدن و فرهنگ را پشت سر نهاده‌اند، هیچگاه از این هنر غریزی که بقول برخی از دانشمندان منشأ و اساس تمام هنرهاست عاری نبوده‌اند و خوشبختانه در آثار تاریک از آن روزگاران برای ما باز مانده، جسته و گریخته نمونه‌هایی از انواع رقصهای دسته‌جمعی و انفرادی پیدا میشود که از نظر مطالعه تاریخیچه رقص در ایران بسیار گرانبهاست.

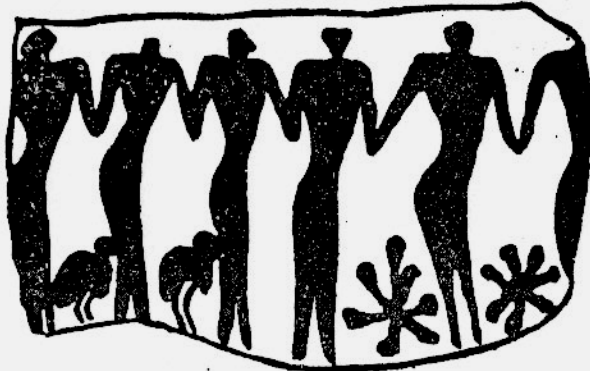
کهن‌ترین اثریکه ما را از وجود رقص در این مرز و بوم آگاه میسازد، قطعه سفالی است که در تپه سیک (Sialk) کاشان بدست آمده و تاریخ آنرا حدوداً و اواخر هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد تعیین کرده‌اند (ش ۱).



ش ۱- قطعه سفالی از تپه سیک کاشان

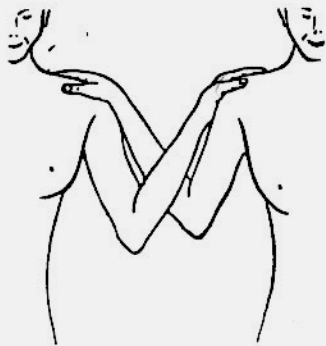
در روی این قطعه سفال که پیداست خود بخشی از یک ظرف بزرگ است، نقش چهار رقص در حال اجرای رقص دسته جمعی نبوده شده است. از حالت این گروه که اندکی از بسیارند، و طرز قرار گرفتن بازوان و بدنشان، و از توجهی که بیک سمت دارند پیداست که مشغول اجرای رقص مقدس مذهبی می‌باشند و چون این نقش در دورادور ظرف تکرار شده حلقه کاملی را تشکیل میداده

مانند شاه دلای یکدیگر فرورفته ، بدین ترتیب زنجیر و حلقه رقص بهم پیوسته است ، و این طرز همانست که امروز هم عیناً در رقصهای دسته جمعی کردی مراعات میشود و چنانکه می بینیم پس از هزاران سال تغییری در آن راه نیافته است .
روی قطعه سفال دیگری که آن نیز از هزاره چهارم پیش از میلاد معرفی شده و از تپه سیلک کاشان بدست آمده است بازگروهی زن یا مرد یازن و مرد در حال اجرای رقص « دست بند » نقش شده اند (ش ۵).



ش ۵ - قطعه سفالی از تپه سیلک کاشان

در این سفال چنانکه پیداست نوع و طرز دیگری از رقص نمایانده شده که در آن رقصندگان پهلو پهلو ایستاده ، بازوان خود را از آرنج خم کرده ، دست ها را بر روی دوش و کتف یکدیگر نهاده ، برقص و پایکوبی مشغولند (ش ۶).



ش ۶

چون علامتی از خورشید و پرندگان آبی در میان تصویر اجرا کنندگان، نقش گردیده ، گمان میرود که رقص بعنوان پرستش و تقدیس خورشید - یعنی آن خدای روشنی ده گرمابخش که با قدم خود ظلمت و دهشت شب را از چشم دلد انسانها می زدود - در دشت و چمن انجام میگرفته است .

نمونه دیگری از همین نوع رقص را بر روی قطعه سفال دیگری (ش ۷)



ش ۲ - رقص گروهی از بومیان افریقا بدوردخت کهنسالی که مقدس شمرده میشود

است ، بنا بر این نمودار یک رقص دایره واد است اصولاً اجرای رقصهای دسته جمعی دایره وار ، که در آن افراد قبیله پهلو پهلو یا دست بدست و یا بردیف پشت سر هم قرار گرفته حلقه بی تشکیل میداده اند ، خود گواه بر اینست که رقص بمنظور تجلیل یا پرستش موضوعی قابل احترام و مطلوب از قبیل ، آتش ، بت ، شکار ، توده محصول و خرمن و درختان پر بار و از اینگونه انجام می گرفته است (ش ۲ و ۳).



ش ۳ - مجسمه رقص دسته بند بدوردخت مکشوی در فلسطین

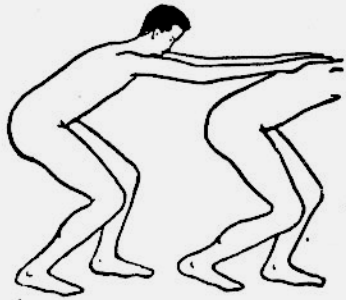
راه رفتن و جست و خیز و دور زدن بوده ، از تصاویر موجود ممکن و میسر نیست . (ش ۴)

برای مثال در سفال شماره ۱ از طرز ایستادن و قرار گرفتن بازوان و دستهای رقصندگان ، چنین بدست می آید که هر یک از آنان دستهای دونه در دیگر را در پهلو و پایین طوری گرفته است که کف دستها بر روی هم افتاده و احياناً انگشتان دستها



ش ۴



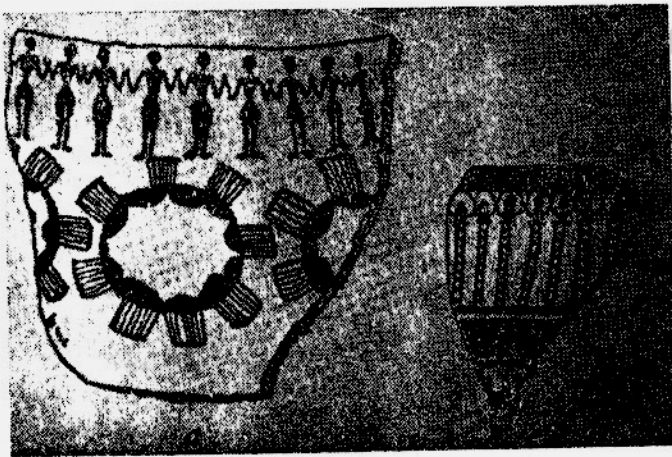


ش ۹

نوع سومی از رقصهای دسته‌جمعی پیش از تاریخ را برما روشن می‌سازد (ش ۸ و ۹). نمونه‌های پنجم و ششم سفالینه‌هایی است از تپه موسیان مربوط به فاصله سالهای ۳۶۰۰-۳۳۰۰ پیش از میلاد که اینک هر دو در موزه لوور محفوظ است (ش ۱۰).

روی قطعه (a) که گویا قسمتی از ظرفی است که در دوران آن این نقش تکرار میشده، گروهی در حال رقص

«دسته بند» نموده شده‌اند که در پیشاپیش آنان کوب‌هایی رسم گردیده که از لحاظ دال‌برهای داخل دایره، بسیار شبیه به نقش وسط ظرف سفالین قبلی است و در اینجا نیز احتمال میتوان داد که منظور از آن نمایش خورشید یا خرمین محصولات بوده است. در این تصویر نیز رقصندگان، عریان و بدون تن‌پوش نشان داده شده‌اند و از طرز حرکات دست و بازوان معلوم میشود که اجراکنندگان، برخلاف حالات قبلی برای تشکیل حلقه رقص با خم کردن بازوان خود از آرنج، دستها یا انگشتان



ش ۱۰ - سفالینه‌هایی از تپه موسیان

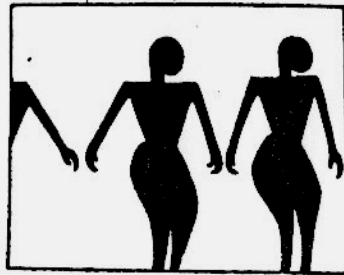


ش ۷ - سفال منقوش از تپه سلیک کاشان

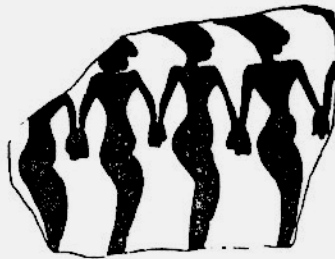
گرفته، دستهای خود را به پشت طرف مقابل نهاده، با نظم و خضوع تمام در اطراف توده‌یی که میتوان آنرا توده آتش افروخته یا خرمین محصول یا نشانه وسبیل خورشید تصور کرد، بپایکوبی دسته‌جمعی مشغولند. حالت و حرکت نقوش این ظرف سفالین



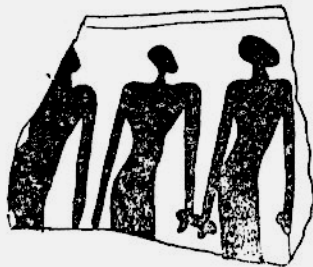
ش ۸ - ظرف سفالین از «تل جری»



ش ۱۴ - سفالی از چشمه علی



ش ۱۵ - سفالی از چشمه علی



ش ۱۶ - سفال منقوش از تپه سلیک کاشان

طرز رقصی را بیان میدارد که در آن حرکاتی اجرا می‌شده که گرفتن دستها را غیر ممکن می‌ساخته است و شاید حالت مذکور مقدمه رقص نمونه (b) است که در آن دست و بازوی رقصندگان در بالا، بطور آزاد قرار گرفته است (ش ۱۴).

در نمونه دیگری که آنهم در چشمه علی بدست آمده و اکنون در موزه «لوور» نگهداری میشود، تصویر گروهی از زنان با سر بند های بلند مخصوص و لباسهای تنگ کبیه‌یی در حالت رقص «دسته بند» نقش شده است (ش ۱۵).

در این سفال طرز نقاشی دستها طوریت که میتوان تصور کرد که طرفین، هر دو از وسط يك قطعه دستمال پارچه گرفته برقص مشغولند و پیداست که بدینسان، علاوه بر اینکه حلقه رقص تشکیل و تکمیل میگردد، سهولت حرکات دست و بازو و بدن نیز تأمین میشود.

این موضوع را قطعه سفال دیگری که از تپه سلیک بدست آمده و مربوط بتاریخ ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد است، تأیید می‌نماید. زیرا آشکارا در نقش این سفال دیده میشود که در دست تشکیل دهندگان حلقه رقص پارچه دستمال یا چیزی دیگری قرار گرفته است. (ش ۱۶)

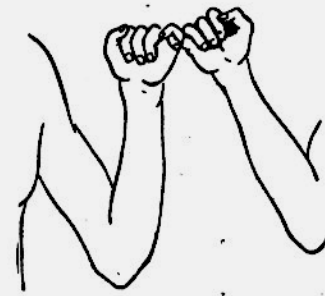
لازم است یادآوری شود که هنوز هم گرفتن دستمال در بین دو دست باین صورت که گفتیم در رقصهای دسته جمعی آذربایجانها معمول و متداول است (ش ۱۷). آنچه در اینجا باید افزود

کوچک یکدیگر را در بالا، مجازی شانه های خود، میگرته‌اند. این نوع رقص هنوز هم در میان ازمنی‌ها و آشوریهای ایرانی و کردها معمول است (ش ۱۱).

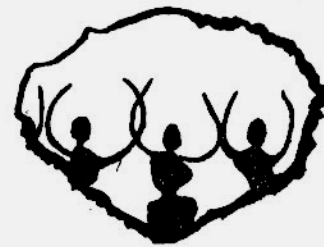
در قطعه (b) که آن نیز از همان محل و همان زمان است گروه رقصندگان، بازوان و دستهای خود را بمانند حالت نیایش مردمان پیش از تاریخ، به بالای سر خود برده‌اند و چنانکه در تصویر شماره ۱۳ نشان داده شده، میتوان گمان برد که طرز قرار گرفتن کف دستها یکی از دو صورت منقوش در این تصویر بوده است. نظیر تصاویر این قطعه است، حالت رقص سه نفری که، در روی قطعه سفال دیگری از تپه خزینه نقاشی شده اند و مربوط به اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد و در موزه لوور است (ش ۱۲).

تفاوتی که این تصویر با تصویر قبلی دارد در اینست که، در تصویر قبلی، پایین- تنه رقص کنندگان، توسط نقاش استیلزده شده بحالت تزیینی درآمده است، در صورتیکه در این قطعه بحالت طبیعی نمایانده شده است.

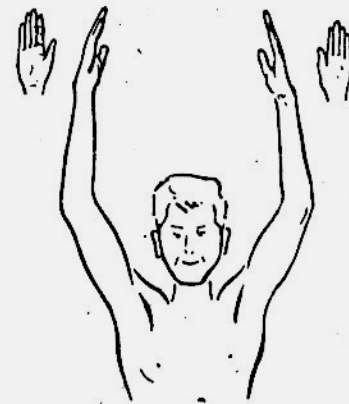
سفال دیگری که از چشمه علی بدست آمده و مربوط به ۳۹۰۰ پیش از میلاد است و اینک جزو مجموعه آقای محسن مقدم است، نمونه جالب دیگری از رقص های دسته جمعی را نشان میدهد. در این سفال تصویر دو نفر که باغلب احتمال زن هستند، بحالت رقص نمایانده شده است و حرکات بدن و بازوان و آزادی دستها



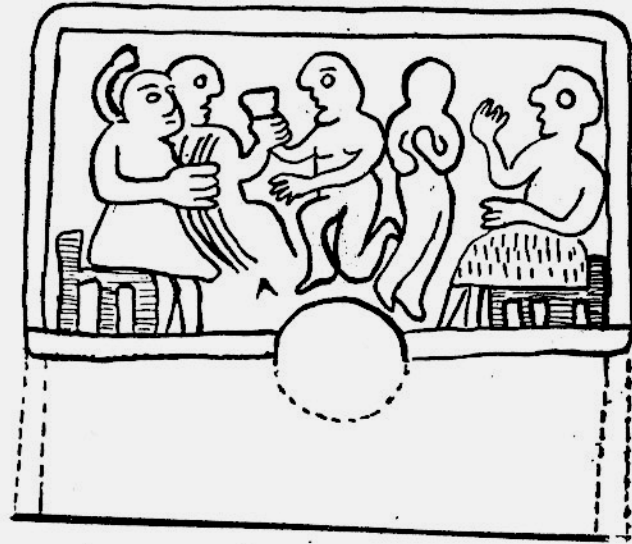
ش ۱۱



ش ۱۲ - سفالینه از تپه خزینه موسیان



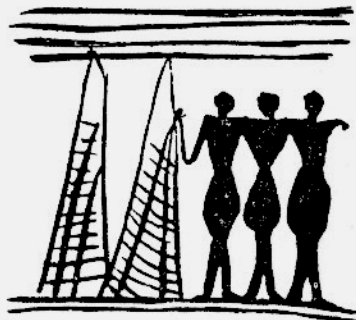
ش ۱۳



ش ۱۹ - لوح سنگی از شوش

در برابرش میرقصد، جام خود را بلند کرده، آماده سرکشیدن است و امیر سمت چپ که از باده سرمست گشته، دست در کمر رقصه انداخته، او را باغوش خود کشیده است. ساقی مجلس نیز زانو زده جام باده را بدست رقصه می‌دهد که آنرا تقدیم امیر می‌بورد.

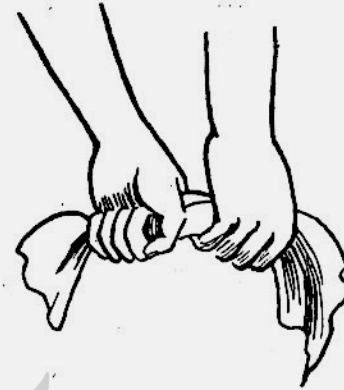
نقوش این قطعه سنگ حجاری شده باینکه بعلت ریختگی اندکی مبهم است



ش ۲۰ - قطعه سفالی از «کاسو»ها

ولی در هر حال، ارتباط رقصهای انفرادی را با مجالس بزم و شادی بخواهی نشان داده، تمایز رقصهای انفرادی شهبانی و تفریحی را با رقصهای دسته بند مذهبی روشن می‌سازد.

یکی دیگر از نمونه رقصهای این دوره بر روی قطعه سفالی است از «کاسو»ها یا «کاسی»ها که در هزاره سوم پیش از میلاد در شمال



شکل ۱۷

اینست که شباهت محسوسی بین رقص این نمونه با نمونه‌هایی که از تپه سینگ بدست آمده و در آغاز مقاله بدان‌ها اشاره شد، مشاهده می‌گردد و این موضوع خود قرینه‌ایست بر اینکه در بین مردم این دو ناحیه از ایران ارتباط و اتحادی از حیث تمدن و آداب و رسوم وجود داشته است. نمونه دیگری از رقص‌های پیش از تاریخ ایران، قطعه مفرغی است بشکل انسان که در نهاوند بدست آمده و مربوط به نیمه هزاره سوم پیش از میلادست و اینک در جزو مجموعه پروفیسور هرتسفلد

محفوظ است (ش ۱۸). حالت و طرز قرار گرفتن بازوان این مجسمه مفرغی ما را بیاد رقصهای انفرادی که هنوز هم در اغلب نقاط ایران متداول است می‌اندازد.

با توجه باینکه رقصهای انفرادی در آن روزگاران بسیار بندرت انجام میگرفت و شاید تنها زنان و رقصه‌های زیباروی بودند که برای تفریح خاطر رؤسای قبایل و صاحبان قدرت بر رقصهای شهبانی انفرادی اقدام می‌نمودند، این قطعه مفرغ دومین نمونه از اینگونه رقصها میتواند بشمار آید، زیرا در یک قطعه لوحه سنگی مربع شکل سوراخ‌داری نیز که در شوش بدست آمده (ش ۱۹) و در موزه لوور محفوظ است دو نقش برجسته در بالا و پایین حک شده که نقش بالایی مجلس بزمی است که در آن دو امیر درست راست و چپ بر روی چهارپایه‌هایی نشسته‌اند و دو رقصه در پیش آنها برقص مشغولند. امیر سمت راست کوبی برای تحسین و تشویق رقصه‌یی که



ش ۱۸ - مجسمه مفرغ از نهاوند

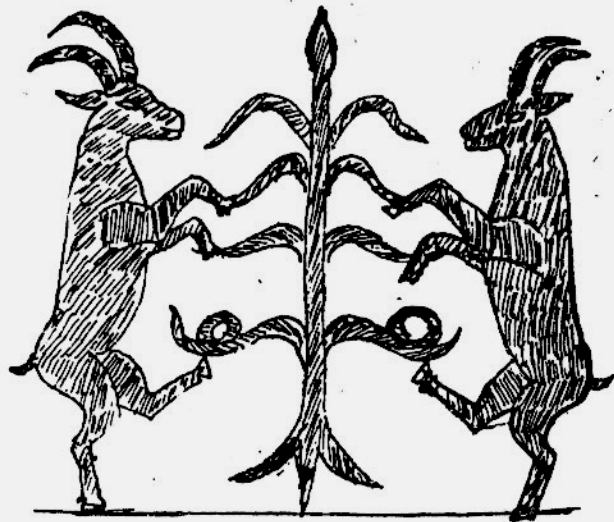


ش ۲۲ - تکه سفال نقش دار از تخت جمشید

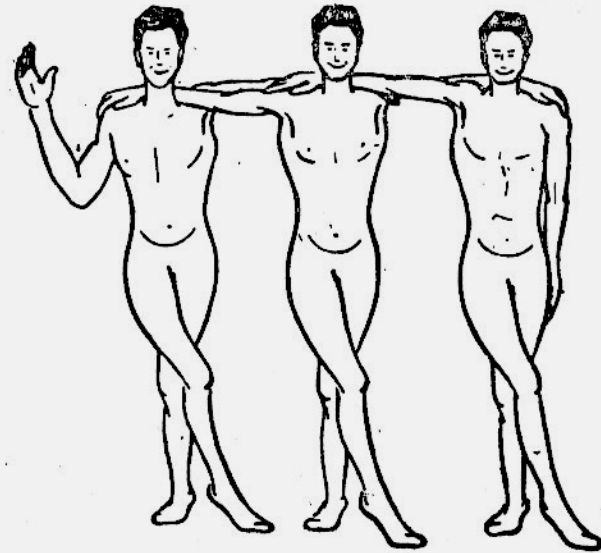
علاوه بر آن بادقت در نقش سفال مذکور، چنین بنظر میرسد که اجرا کنندگان این رقص دسته جمعی ماسکهای بصورت خود گذاشته اند که باغلب احتمال شکل کله بزکوهی را با شاخها و گوشه پایش نشان میدهد.

اجرای رقص با ماسک بزکوهی و شاخه های سبز درختی که دارای برگهای متقارن باشد، ذهن انسان را بی اختیار بیک موضوع مذهبی از این دوره ها منتقل میسازد که نقش آن مکرراً بر روی ظروف و آثار دیگر آن دوره ها نقاشی و حک

شده است و آن تصویر دو بزکوهی (رمز خدای کوهستان ها) بحالت ایستاده و نیم خیز در دو طرف « درخت زندگی » است که دارای شاخه ها و تزیینات متقارن است. این نقش یکی از موضوعات بسیار معمولی و متداول آن زمانهاست و بک عقیده مذهبی عمومی مردم آسیای غربی را بیان و توضیح می نماید (ش ۲۳).



ش ۲۳ - درخت زندگی و پرهای کوهی



ش ۲۱

ایلام در نواحی کرمانشاه و دوه های کوههای زاگرس زندگی میکرده اند. در این سفال (ش ۲۰) تصویر سه انسان در حال رقص در نزدیکی چادرها یا کلبه های نپیشان، نشان داده شده است.

این سفال نیز از نظر معرفی حالت و نوع دیگری از رقص که در آن اجرا کنندگان هر کدام بازوان را از پشت کردن یکدیگر گذرانیده، دستپارا بر روی شانه های نفرات طرفین خود می نهاده اند، جالب توجه است (ش ۲۱).

بر روی تکه سفال کوچک دیگری که بوسیله پرونسور هرتسفلد در تخت جمشید کشف شده (ش ۲۲) و تاریخ آنرا شاید بتوان در نیمه اول هزاره دوم پیش از میلاد قرار داد، نمونه ای از رقص جالبی نشان داده شده که از چندین لحاظ حائز اهمیت و دقت است. بر روی این سفال دو تکه که پیدا است قطعاتی از یک ظرف سفالین بزرگی بوده است، تصویر دو تن از اجرا کنندگان رقص دسته جمعی باقی مانده است که در ضمن گرفتن دست یکدیگر، شاخه هایی را که دارای برگه های متقارن است (مانند شاخه درخت عمره و برگ خرما) میان دستهای خود بحالت مستقیم نگاه داشته اند.

میچسند - فقط سه نفر بطور مستقل برقص و پایکوبی برخاسته‌اند و این موضوع گذشته از این که از خود نقش پیداست، از حرکت دست نفرات طرفین نیز کاملاً مشهود است، زیرا شکستن بازو از آرنج و بالا نگاه داشتن ساعد، در دو سمت صف رقص، نشانه تکمیل آنست.

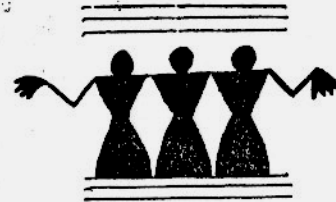
نظیر همزمان این طرف است، ظرف سفالین دیگری از همان محل که در دو جا در حاشیه باله بیرونی پشت آن، نقش رقص دو نفر با همین اسلوب نشان داده شده است، ولی در این ظرف، نقاش، به علت تلاقی سر رقص کنندگان با دوایر و خطوط متوازی پشت ظرف، از ترسیم کله آنان، خودداری کرده و با استیلیزه ساده کردن تصویرها، جنبه تزیینی مطلق بآنها داده است (ش ۲۵).

از مطالعه در نقوش این دو ظرف تل تیموران فارس، چنین بدست می‌آید که



ش ۲۶ - سر پرچم مفرغی از ارسجان

از نقش این سفال چنین استنباط می‌گردد که اجرا کنندگان این رقص دسته - جمعی مذهبی در دشت وسیع تخت جمشید و استخر و مرغاب، هنگام بهار و فصل تجدید حیات درختان و گیاهان، میخواستند همان صحنه بزهای کوهی و درخت زندگی را مجسم ساخته، مجلس جشن و سرور خود را با رقص و نایش يك موضوع



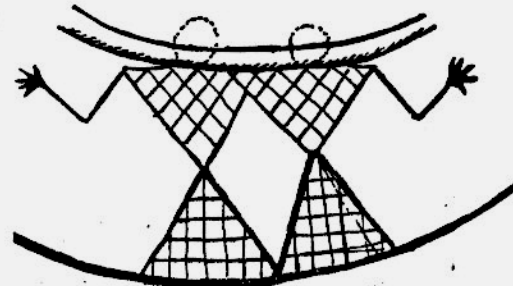
ش ۲۴

مذهبی رونقی داده باشند. بهرحال، موضوع رقص منقوش بر روی این سفال کوچک، هرچه باشد، از نظر نشان دادن سابقه استعمال مساک در ایران و استفاده از آن در اجرای رقص های مذهبی و جشنهای ملی بسیار پراهمیت و قابل مطالعه است.

اخیراً (۱۹۵۴ م.) در بیلوک ارسنجان فارس ضمن گمانه زنیها، از تل تیموران، ظروف گلی منقوش مربوط به فاصله سالهای ۱۴۰۰ و ۱۲۰۰ پیش از میلاد کشف گردیده است که از آن میان نقوش دو ظرف سفالین سالم، از نظر موضوع این مقاله شایسته دقت است.

در دور دهانه و قسمت بدنه ظرف شماری شکلی که - بوسیله خطوط متوازی متعدد و نقوشهای دیگر تزیین شده است - در داخل بعضی از خطوط متوازی، جابجا، مجالسی از يك گونه رقص سه نفری نقاشی و تکرار شده که از حیث طرز قرار گرفتن دستها و بازوان و چگونگی اجرای رقص عیناً شبیه رقص «کاسوها» (شماره ۲۰ و ۲۱) است (ش ۲۴).

مزیتی که نقش این ظرف سفالین بر دیگر نقوش دارد در اینست که در اینجا برخلاف سایر رقصها که در تشکیل حلقه یا صف و ردیف آنها، تعداد بیشتری شرکت



ش ۲۵



ش ۲۸ - سرپرچم برنزی که در لرستان بدست آمده است

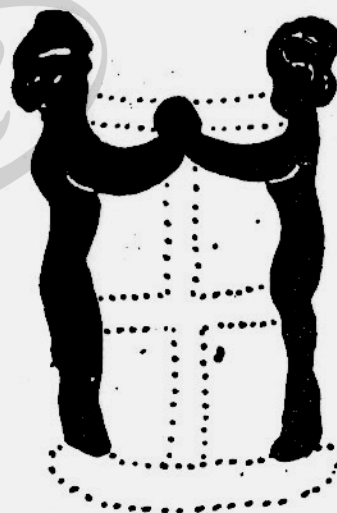
در لرستان بدست آمده و از سده هفتم پیش از میلاد و جزو مجموعه آتای ج. ل. و پنتروپ است بشیوت میرساند (ش ۲۸).

در این سر پرچم برنزی مشبک، هیکل سه رب النوع شاخدار نشان داده شده که رب النوع وسط که از نظر مقام نسبت بدوتای دیگر در درجه و الاتری قرار داد و با بر روی کره خورشید و دوتای دیگر با بر پشت دوشیر غران نهاده، دست ددست مشغول رقص میباشد، استعمال کنندگان این سر پرچم گویا باین طریق خواسته اند چرخش و حرکت خورشید را در آسمان از شرق بغرب بصورت یک رقص موزون بیان کرده، نمایش بدهند. بهرسان، این نقش نیز از نظر بیان جنبه مذهبی و خدایی رقص در میان اقوام ایران کهن، شایسته توجه میباشد.

این است آتاری که بر روی آنها نمونه‌هایی از رقصهای پیش از تاریخ ایران ثبت شده و بنظر نویسنده این گفتار رسیده است ولی از این تاریخ تا دوره مادها و شاهنشاهی هخامنشیان با اینکه مسلماً رقص در میان مردم ایران معمول بوده است متأسفانه نقش واتری که مبین این موضوع باشد بدست نیامده، یا بنظر نویسنده نرسیده است، و فعلاً قطعات و نمونه های فوق با همه قلت تعداد؛ از نظر بیان سابقه رقص در ایران بسیار گرانها و مقنن بوده، امید هست که در حفاریهای جدید نقوش و آتاری بدست آید که مطالعه این امر را بر پژوهندگان این قبیل مطالب آسان گردانیده تاریخچه این هنر را در ایران روشنتر و کاملتر نماید.

علاوه بر رقصهای «دسته بند» و انفرادی که قبلاً برشردیم، انواع دیگری از رقص در ایران وجود داشته است که در آن افراد، دو بدو و سه سه، بازو در بازوی همدیگر انداخته بیابکوبی می برداخته اند و نیز بکواهی نقوش همین ظروف، تعداد صفهای رقص های سه نفری و دو نفری ذریک مجلس، متعدد بوده است، و در این رقص ها - گرچه از نقوش مزبور کاملاً معلوم نیست - شاید در هر صف سه نفری یک مرد و دو زن یا دو مرد و یک زن و در رقص دو نفری، یک مرد و یک زن یا هر دو از از یک جنس برقص می برداخته اند.

در لرستان از هزاره یکم پیش از میلاد سرپرچم مفرغی مشبکی بدست آمده که اینک جزو مجموعه پروفیسور زاره در موزه لوور محفوظ است (ش ۲۶). در داخل دایره این سر پرچم، رقص دست بدست چهار نفر با ترکیب بندی بدیع و ماهرانه بی نشان داده شده است. باز در پایه همان سر پرچم که محل گذرانیدن نیزه یا چوب پرچم بوده، مجسمه دو انسان از پهلو در حال رقص دست بدست نمایش داده شده است (ش ۲۷) خوشبختانه از این نمونه حرکات پاها و دستها را بخوبی میتوان استنباط نمود، باین معنی که پیداست اجرا کنندگان رقص یکی از باها را از زمین بلند و در پشت سر از زانو خم کرده، در جای دیگری میگذاشتند و سپس با پای دیگر همین عمل را تکرار میکردند تا کم حلقه رقص بدور خود چرخیده، جای رقصندگان عوض میشده است.



ش ۲۷ - پایه سر پرچم مفرغی لرستان

این قطعه که یکی از مدارک ذبقت در باره رقص میباشد، معلوم میدارد که در میان اقوام قدیم رقص تاجه اندازه مهم و مورد توجه بوده است که موضوع آنرا در سرپرچمهای خود نیز نقش بسته بنمایش میگذاشته اند.

انسانهای روزگاران کهن - همانطور که خودشان در روی زمین میرقصیدند - معتقد بودند که خدایان نیز در آسمان، یا در زیر زمین، برقص میپزدانند و برخی از این اقوام اعتقاد داشته اند که رقص اصولاً از اعمال خدایان است که بشر بتقلید آنها، همان اعمال و حرکات را در روی زمین، تکرار مینماید و این عقیده را یک قطعه سر پرچم برنزی دیگری که آنهم